

است که می تواند مردم ایران را به هم ارتباط دهد ؟ آیا این موهب شعاع منجر به بازگشت خاندان پهلوی و اطرافیان آن با تفکر استبدادی و ضد دموکراتیک به حکومت نمی شود ؟ چگونه نیرویی مانند شما که خود را طرفدار دموکراسی و حاکمیت مردم می داند، می تواند خراستار بازگشت نیروهایی شود که خواب «مشت آهنین» و «امنیت رضاشاهی» را می بینند ؟ در ایران صحبت از سلطنت مجرد نیست، ما با سلطنت مشخص خاندان پهلوی مواجهیم . نگرانی نیروهای دموکرات - ایواب جمعی رضا پهلوی است که آنها اساساً تفکری استبدادی دارند .

ش . بختیار : سؤال بسیار بجایی است ؛ آدم باید به این مسئله با بیطرفی و تعمق فکر کند و پاسخ بدهد . اینکه گفتید اطرافیان شاهزاده رضا پهلوی افراد مستبد هستند، در واقع بدتر از اینند . فاسد هم هستند . ممکن است آدمی قدر باشد ولی باتقوی هم باشد . همه اینها با من دشمنند . لغت شاه الهی را من ده سال پیش برای اولین بار به زبان آوردم . ده سال پیش وقتی صحبت از حزب الله شد، من گفتم شاه الله هم داریم . ایشان روزی به من گفت این لغت را دوستان شما از کجا آورده اند، من گفتم دوستان بنده در نیابورده اند، خود من در آورده ام . من معتقد هستم شاه الهی ها چیزی را که اصلاً نمی خواهند مشروطیت است . آن چیزی را که کمتر از مشروطه می خواهند خودقانون اساسی است . آنها چیپشان را می خواهند . آنها زورگویی می خواهند / من هیچوقت نگفتم که ملت ایران باید، یا من توصیه می کنم که به خاندان پهلوی رأی بدهد . من نمی خواهم چیزی بشود برخلاف میل باطنی مردم / ملت ایران هرچه که بگوید باید تابع باشیم، نظر اکثریت محترم است / خیلی از جمهوری خواهانی که من می شناسم به حق و از روی اجلاس به همان دلیلی که شما گفتید با بازگشت خاندان پهلوی مخالفند و این درست است .

راه آزادی : ولی شما از ابتدا با رضا پهلوی ...

ش . بختیار : من این شاهزاده را ندیده بودم تا سفرم به مصر . من به دعوت مرحوم سادات به مصر رفته بودم . پیش از ظهر بود، لب رولخانه نیل ، من با مرحوم سادات بودم . در بین صحبت ها به من گفت شما این رضا پهلوی را که جوان است، بچه است، هفده ساله است، زیر بال پرش را بگیرید . من خیلی از دور شما را می شناسم . ولی حرف هایی که زدید و کارهایی که کردید و شجاعت شما در برابر این آخوند ها و کارهایی که کردید خیلی خوشم آمد و از این جهت دعوت کردم بیایید اینجا . من تشکر کردم ، و گفتم حرفی ندارم . بعد هم گفت شما اینجا در ویلایی که پرایتان در نظر گرفته شده است ، مازید، ایشان و مادرشان میآیند پیش شما . گفتم حرفی ندارم . من ماندم و ایشان آمدند و صحبت کردیم . اولین حرفی، بعد از تعارفات

عادی که کردیم، من گفتم اگر شما روزی به ایران بروید و یا یک رژیم سلطنت در ایران برپا شود، بدانید که، در هر صورت شما پیش از هرکس مدیرون خمیشی هستید . برای اینکه او چنان مدلی را آورد و آنجا پیاده کرد که مردم می گویند صد رحمت به رژیم قبلی یا همه کثافت کاری هایش . یاور کنید این عقیده مخلصانه من است . اینهایی که در خارجند چند گروهند . یا سیاسی اند و یا از نظام وظیفه فرار کرده اند، سیاسی هایی از قبل اینجا بودند از مخالفین شاه . جبهه ملی، فدائی، حزب توده، مائوئیست، کومله و غیره . راستی ها هم اکثرشان انرادی فاسد هستند و دزدی کرده اند . از ترس جان و یا تعقیب به خاطر دزدی آمدند بیرون . افرادی که اطرافیان این شاهزاده را تشکیل می دهند، باز هم تکرار می کنم، اکثرآدر گذشته هم بارها گفته ام، از کثیف ترین عناصری هستند که من دیده ام . اما شما این هایی را که در خارجند، را مقیاس نگویید . در ایران یک عده به علت نادانی، یک عده به خاطر مقایسه بد و بدتر طرفدار بازگشت سلطنت هستند و عده ای هم به خاطر سنت ها در این مملکت که به هر حال اثر دارد شما سلاطین خوب هم تک و توك داشتهاید البته که اعلی است، امیرالست، عالم ترونداد کارتر است باید فرمانده مملکت باشد. البته با رعایت همه موازین دموکراسی . اگر دموکراسی در ایران باشد، ما یک فرماندمی بکنیم، بدون اینکه واقعاً خیلی مایه بگذاریم، اشخاصی که الودگی نه شاهی دارند نه خمینی، اوتها بیایند و در میدان بگویند به چه دلیل این سلطنت را نمی خواهیم . یا این حال خیال نکند فقط ۵ در صد مردم طرفدار سلطنت هستند . این اشتباه است . پت اینهایی که اینجا هستند را خیلی راحت می توان بروی آب انداخت . ولی در ایران وضع متفاوت است . این فکری است که بعضی ها می کنند برای اینکه ملاکشان هوشنگ نهاوندی است ، ملاکشان هوشنگ انصاری است ، ملاکشان عقیلی پور یا این تیب ها هستند . نه اون مردم فقیر حقیر این طرف و آن طرف ایران . مقدار زیادی هستند که مایلند و می خواهند که سلطنت در ایران باشد .

راه آزادی : اتفاقاً خطو سوار شدن بر همین موج و احساسات برای تحمیل دیکتاتوری است ...

ش . بختیار : تمییل نه نه نه

سلطنت یا جمهوری

راه آزادی : آنچه که مهم است اندیشه برپایی یک حکومت مستبد توسط مردم داران این حرکت است . شما آیا مقالات اینها را در کیهان لندن می خوانید یا نه ؟

ش . بختیار : اولین روزنامه ای که از بالا تا پایین عکس خمینی را گذاشت همین کیهان مصباح زاده بود .

راه آزادی : به هر حال مسئله نظام را باید برای مردم روشن کرد . باید به مردم گفت که چرا جمهوری از نظر ما همانطور که خودتان هم یک لحظه پیش گفتید، شکل مناسب تر حکومتی است .

ش . بختیار : خاندان پهلوی را بگذارید کنار . جمهوری ویا مشروطه سلطنتی به خودی خود نه بهشت می آورند و نه جهنم . آنچه که اصل است دموکراسی است . یک پادشاه مملوب الاختیار و سمبولیک، ضررش از ضیاء الحق ها، قذافی ها و تمام اینها کمتر است . اگر قرار باشد بین محمد رضاشاه و قذافی من یکی را انتخاب کنم، این فرد هتماً محمد رضاشاه خواهد بود

راه آزادی : آیا شما یک جمهوری مبتنی بر دموکراسی در ایران را بر رژیم مشروطه سلطنتی ترجیح می دهید ؟

ش . بختیار : من با یک رژیم جمهوری که دموکراسی در آن بطور کامل رعایت شود، موافقم، به شرطی که ملت ایران آن را آزادانه بپذیرد .

راه آزادی : به هر حال برای ماهم رأی مردم تمیین کننده است، اما شما به عنوان یک شخصیت سیاسی ایران اگر قرار باشد بین یک جمهوری مبتنی بر دموکراسی و پارژیم سلطنتی که تا مژدهش هم بطور مشخص رضا پهلوی باشد، کدام را ترجیح می دهید ؟

ش . بختیار : نه شما رضا پهلوی را باید از مشروطه جدا کنید .

راه آزادی : اینها را نمی توان از هم جدا کرد . در ایران کسانی که طرفدار سلطنت هستند، نامزدشان جز رضا پهلوی کسی نیست .

ش . بختیار : شما یک کویمخازن زند بیاروید، چرا می خواهید فقط او را بیاروید . یک عباس میرزا بیاروید، یک احمد شاه بیاروید خلاصه یک دموکرات ملی گرا .

راه آزادی : اگر قرار باشد سلسله پهلوی و رضا پهلوی را کنار گذاشت و به خاطر حفظ نهاد سلطنت دنبال یک شاه عادل گشت، خوب چرا دنبال یک رئیس جمهور عادل و دموکرات نمی گردید، تا از رأی مردم هم بر خوردار باشد ؟ چرا شما در این صورت از خواست جمهوری پشتیبانی نمی کنید ؟

ش . بختیار : من باز تکرار می کنم، بین دموکراتها جدائی پیش نیاید . باید این دعوا جمهوری و سلطنت را کنار گذاشت . این مسأله ای است که در داخل ایران و خارج ما را تقسیم می کند . در خارج همه می دانیم طرفدارا سلطنت اکثرآ فاسدند . اما نمی توانیم به ش بگویم که در داخل ایران هم وضع اینگونه است